

اصلاحات فرمایشی و تثبیت حکومت سرمایه داری وابسته پهلوی دوم

۱۶ آبان ۱۳۹۶ ساعت ۲۱:۳۶

کندی و مشاورانش بر این باور بودند که بهترین روش مبارزه با کمونیسم کاربرد آمیزه ای از اصلاح و سرکوب است. هرگاه اولی با شکست روبرو می گشته زمان فراخوانی نیروهای سرکوبگر فرا می رسید. بنابراین مانند سایر کشورهای جهان سوم، برای سرکوب کمونیستهای امریکای لاتین، ابزار دولت کندی نیروهای نظامی نوینی به نام نیروهای «ضد شورش» بود. این نیروها که هم ردیف کلاه سبزه‌های امریکا به شمار می رفتند؛ در ایرن کلاه قرمز نامیده می شدند . . .

کافه تاریخ- مقاله تاریخی

خلاصه

کندی و مشاورانش بر این باور بودند که بهترین روش مبارزه با کمونیسم کاربرد آمیزه ای از اصلاح و سرکوب است. هرگاه اولی با شکست روبرو می گشته زمان فراخوانی نیروهای سرکوبگر فرا می رسید. بنابراین مانند سایر کشورهای جهان سوم، برای سرکوب کمونیستهای امریکای لاتین، ابزار دولت کندی نیروهای نظامی نوینی به نام نیروهای «ضد شورش» بود. این نیروها که هم ردیف کلاه سبزه‌های امریکا به شمار می رفتند؛ در ایرن کلاه قرمز نامیده می شدند. شاه کوچکترین تاملی برای سرکوب تظاهرات ۱۳۴۱ دانشگاه تهران و قیام عمومی مردم در خرداد ۱۳۴۲ از خود نشان نداد و از نیروهای ویژه کلاه قرمز بهره جست.

مقدمه

از زمان روی کار آمدن جان . اف کندی در کاخ سفید، ایلات متحده امریکا با ایجاد تغییرات اساسی در سیاستهای خود، توجه ویژه

ای بر روی انجام اصلاحات سیاسی - ایجاد فضای باز سیاسی - در کشورهای دیکتاتوری از جمله ایران مبذول داشت. لذا برای انجام سایر اصلاحات مورد نظر آمریکا، ایجاد فضای باز سیاسی ضروری به نظر می رسید. زیرا با سردادن شعار دموکراسی و ایجاد یک فضای کنترل و هدایت شده، حکومت‌های دیکتاتوری جهان سوم تداوم می یافت؛ در حالی که رژیم‌های خویش را مردمی و دمکرات جلوه می دادند. ۱ انگیزه و اهداف آمریکا از ایجاد فضای باز سیاسی در کشورهای مزبور و به ویژه ایران، فقط تامین منافع خودشان بوده است و نه دلسوزی برای مردم کشورهای جهان سوم. در واقع کندی دمکرات همان دیدگاهها و سیاست‌های حکومت‌های پیشین جمهوری خواهان را در مورد منافع جهانی آمریکا دنبال می نمود، اما به دلیل بروز بحران‌های سیاسی و اجتماعی در کشورهای جهان سوم، استراتژی جدیدی با عنوان پاسخ انعطاف پذیر مطرح نمود و به موقع به اجرا گذاشت. از نظر کندی اتکای بیش از حد جمهوری خواهان به تسلیحات هسته ای و تلاش‌های آشکار و پنهان آنها در جهت به قدرت رساندن دولت‌های دست نشانده در جهان سوم توانایی و قابلیت خود را برای جلوگیری از توسعه نفوذ کمونیسم و مهار بحران‌های سیاسی و اجتماعی جهان سوم، از دست داده بود. بنابراین کندی با تاکید بر ضرورت اصلاحات اقتصادی و اجتماعی و لزوم بازسازی نیروهای متعارف به ویژه واحدهای ضد شورش کشورهای جهان سوم تلاش کرد از کمک‌های نظامی آمریکا به این کشورها بکاهد. کندی همین سیاست را در ایران نیز به کار بست. ۲

اصلاحات امریکایی و حذف نظام دموکراسی نیم بند پهلوی دوم

سیاست کندی در مورد ایران پیگیری همان برنامه عمومی اش یعنی اصلاحات از بالا بود که شامل پشتیبانی از آن از طریق کاربرد نیروهای نظامی فراگیر رژیم‌های دیکتاتور جهان سوم نیز می شد. زیرا در برنامه «اتحاد برای پیشرفت» که برای امریکای لاتین برنامه ریزی شده بود؛ مقرر شده بود در صورت مواجهه با شورش مردمی از روش نظامی، سیاسی جاسوسی و سایر امکانات نظیر آنچه در ونزوئلا اتفاق افتاد بهره گیری شود. ۳ دولت کندی درصدد بود فقط تا آن حد که برای برقرار ماندن وضع سیاسی موجود در کشورهای جهان سوم کافی باشد، نسبت به اصلاحات از بالا اقدام نماید. دلیل واضح آن در قدرت پلیس و کاربرد نیروهای ضد شورش در این کشورها می باشد. کندی و مشاورانش بر این باور بودند که بهترین روش مبارزه با کمونیسم کاربرد آمیزه ای از اصلاح و سرکوب است. هرگاه اولی با شکست روبرو می گشت؛ زمان فراخوانی نیروهای سرکوبگر فرا می رسید. بنابراین مانند سایر کشورهای جهان سوم، برای سرکوب کمونیست‌های امریکای لاتین، ابزار دولت کندی نیروهای نظامی نوینی به نام نیروهای «ضد شورش» بود. این نیروها که هم ردیف کلاه سبزه‌های امریکا به شمار می رفتند؛ در ایرن کلاه قرمز نامیده می شدند. شاه نیز که از شیوه ی پشتیبانی امریکاییها آگاهی داشته کوچکترین تاملی برای سرکوب تظاهرات ۱۳۴۱ دانشگاه تهران و قیام عمومی مردم در خرداد ۱۳۴۲ از خود نشان نداد و از نیروهای ویژه کلاه قرمز بهره جست. ۴ کندی با این کار دو هدف عمده را در کشورهای تحت نفوذ امریکا تعقیب می نمود. اول تخریب کامل ساختارهای اقتصادی و فرهنگی این کشورها در جهت تاسیس بازارهای مصرف و دیگر نیازهای اقتصادی امریکا؛ دوم اعطای نوعی دموکراسی کنترل و هدایت شده امریکایی جهت پیش گیری از ناراضیاتی هایی که ناگزیر به سوی مقاومت قهرآمیز پیش می رفت. ۵

کندی گرچه مساله ایجاد تحولات سیاسی و اجتماعی در کشورهای جهان سوم به نفع اقشار متوسط را بهانه عدم اعتماد و

اطمینان همیشگی به حکومت‌های پلیسی و نظامی این کشور قرار داد؛ اما از سوی دیگر بر لزوم گسترش و رونق بازارهای مصرفی اقتصاد سرمایه داری غرب، نیاز به افزایش قدرت خرید، تغییرات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی در کشورهای مصرف کننده جهان سوم تاکید نمود. ایجاد فضای باز سیاسی یکی از مهم ترین این تغییرات بود و کنترل آنها در دست خود امریکا بود. این تغییرات تحرک بیشتری برای طبقه متوسط در فعالیت اقتصادی و تا حدودی سیاسی به وجود می آورد تا بازار مصرف نیز گسترش یابد. از طرف دیگر به علت گسترش روزافزون نیاز دولتهای وابسته، امریکا نمی توانست به طور دایمی و همه جانبه نیاز آنها را تامین نماید؛ بنابراین بایستی درآمد دولتها از طریق افزایش تولید مصرف مالیات و سرمایه گذاری افزایش می یافت. در این راستا، شکل اقتصادی جامعه ایران نیز تغییر می یافت و صنایع مونتاژ به طور وسیعی شکل می گرفت. ۶. به خاطر اهمیت موضوع، کندی تصمیم گرفت شاه را به علت مقاومت اولیه در برابر اصلاحات کنار گذاشته و یک رژیم جمهوری در ایران مسقر نماید؛ ولی ایران به دلیل داشتن ذخایر عظیم نفتی و موقعیت استراتژیک و فوق العاده مهم، برای جهان غرب اهمیت خاصی داشت. بنابراین پس از مشورت با انگلیسیها به این نتیجه رسید که اگر در ایران رژیم جمهوری مستقر شود با توجه به خطر کمونیسم حفظ منطقه خلیج فارس دشوار خواهد بود. بنابراین سلطنت یک پایه ی مهم ثبات ایران است به ویژه سلطنتی که شاه آن صددرصد مطیع و گوش به فرمان آنها باشد. به این ترتیب اصلاحات مورد نظر امریکا با حفظ سلطنت و سلسله پهلوی به وسیله شخص شاه اجرا شد و با حذف نظام دموکراسی نیم بند مذکور یک نظام سرمایه داری وابسته به امریکا ایجاد شد تا منافع امریکا تامین شود.

بهانه حزب دمکرات امریکا و شخص کندی برای انجام اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ایران، خطر کمونیسم به علت همسایگی با اتحاد جماهیر شوروی و احتمال به دست گیری قدرت، توسط ایادی داخلی آنها یعنی حزب توده بود. درحالی که حزب توده با توجه به اشتباهاتی که انجام داده بود هرگز در میان مردم جایگاه ارزشمند و خوشایندی نداشت. این اشتباهات عبارت بودند از عدم توجه به عقاید مردم ایران در راستای تجهیز آنان برای مبارزه، و عدم جوشش از درون و متن جامعه ایران و وابستگی به اتحاد جماهیر شوروی که با توجه به عملکرد حزب توده مردم ایران آن را قبول نداشته و از خود طرد نمودند. به طور کلی سیاست کندی باعث تغییرات مهمی در تاریخ معاصر ایران و علت روی کار آمدن دولتمردان یکدست امریکایی شد. به قدرت رسیدن علی امینی، اسدالله علم، حسنعلی منصور هویدا و ایجاد تغییر در نحوه اداره کشور از پیامدهای این سیاست بود. این دگرگونی بیانگر انگیزه و اهداف امرکیاست و بنابراین اهداف و انگیزه فضای باز سیاسی را باید در مصالح و منافع امریکا و رژیم شاه جستجو نمود. انگیزه و هدف امرکیا نفوذ هرچه بیشتر در ساختار سیاسی ایران، حفظ ایران از گزند دشمنان امریکا و تامین منافع بلندمدت خویش در ایران بود. شاه نیز برای بقای حیات سیاسی و تداوم حکومت خویش منفعلانه به خواسته امریکا تن داده و در عین حال از تبلیغات بهره برداری می نمود.

پی نوشتها

۲. علیرضا ازغندی، روابط خارجی ایران: دولت دست نشانده (۱۳۵۷-۱۳۲۰)، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۶، ص ۲۷۹۰-۲۸۰
۳. جیمز بیل، شیر و عقاب، روابط بد فرجام ایران و امریکا، ترجمه فروزنده برلیان، تهران، انتشارات فاخته، ۱۳۷۱، ص ۱۸۵
۴. همان، ص ۲۱۱-۲۱۲
۵. حمید پارسانیا، حدیث پیمانہ؛ پژوهشی در انقلاب اسلامی، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی قم، ۱۳۷۶، ص ۲۹۴
۶. جواد منصوری، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، صص ۱۴۲-۱۴۳

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۶۴۱۱/اصلاحت-فرمایشی-حکومت-تثبیت-سرمایه-داري-وابسته-پهلوی-دوم>